

فکربرداری

۱۰۷

حسن قاضی مرادی

## بامرغ آمین

"مرغ آمین" یکی از برجسته‌ترین اشعار نیما یوشیج و نیز یکی از آثار ماندنی شعر معاصر ایران است. نیما در این شعر به یکی از قله‌های رفیع هنر خود دست می‌یابد. و رفیع بودن مقام این شعر و ماندنی بودنش مگر به خاطر موضوعی که در این شعر از آن سخن می‌رود از یکسو و آزوی دیگر چگونه بیان این محتسوی که هماهنگی کامل با محتوی دارد. آنچه در این شعر به بحث کشیده می‌شود، حضور و موقعیت و عمل مردم تحت ستم است و اینجاست ارزش "مرغ آمین".

اما برای درک درست یک اثر هنری می‌باید که زمان آفرینش آن را در نظر گرفت. شناخت زمانی اثر هنری این را بازمی‌نماید که ضرورت‌های حاکم بر اثر هنری چه بوده است. اگر این نباشد، و چنین اندیشیده می‌نود که یک اثر هنری محصول خواست و تفکر هنرمند است؛ حامل فعالیت ذهنی او و منتزع از شرایط اجتماعی است که شاعر در آن می‌زید. این نظری به غایت انحرافی و ناشی از یک فرهنگ استعماری است. هنراگراستین باشد به مثابه، یک پدیده، اجتماعی و در رابطه با کل جامعه و تنها در این رابطه معنا می‌یابد. در این رابطه باید در نظر گرفت "مرغ آمین" در دهه ۳۰ - ۱۳۲۰ سروده شده است (وبه روایتی در زمستان ۱۳۲۰) و بنا بر این آنچه در این سالها در جامعه ما می‌گذشته زمینه ساز این اثر می‌باشد.

پس از یک دوره سلطه، دیکتاتوری دست نشانده، رضاخان و در هنگامه، مبارزات مردم ما بر علیه این دیکتاتوری و نیز وجود یک عامل خارجی که جنگ جهانی دوم است، حکومت دست نشانده، امپریالیسم انگلستان در پوشش سلطنت محمد رضاخان بر ایران مسلط می‌شود. با سقوط دیکتاتوری رضاخان و تدارک چندین ساله، یک حرکت عظیم استقلال طلبانه و آزادیخواهانه در ایران، زمینه، رشد هر چه بیشتر این حرکت ضد-امپریالیستی در ایران فراهم شده و از شهریور ۱۳۲۰ به اینسو در هر گام ارج تازه‌ای

می‌گیرد. این جنبش ضد امپریالیستی در هر گام آگاهانه‌تر، دشمن نخستین خود را هدف می‌گیرد. رویارویی جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهان مردم ایران با این دشمن است که در شعار "ملی شدن صنعت نفت" بگ تبلور معین می‌یابد. مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر ممدق به معنای کوتاه کردن سلطه انگلستان بر منابع نفت ایران بعلمت آنکه هدفی مشخص و در جهت استقلال ایران را در بردارد، به سرعت بجدی سراسری می‌گیرد. اوج این مبارزات عظیم در سال ۱۳۳۰ رخ داد. با اوج گیری این مبارزات که منجر به فرار دربار شد، امپریالیستها در سرکوب آن کوشیدند. و بالاخره با هماهنگی یک سری عوامل داخلی و خارجی آن حرکت عظیم استقلال طلبانه با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد در آن مرحله به شکست انجامید.



قبل از اینکه به "مرغ آمین" بپردازیم ضرور است تاراهی را که نیمه‌ها پوشیح پیمود تا از "افسانه" به "مرغ آمین" برسد، بررسی کوتاهی بکنیم. آنجا که ما از نیمه پوشیح بعنوان یک بدعت گذار نام می‌بریم در واقع سنت شکنی او را در "شکل" شعر فارسی در نظر می‌گیریم. اما این سنت شکنی او چگونه صورت گرفت؟ آیا بریدن او از گذشته مستقیماً بعلمت تاثیر تحولات اقتصادی و سیاسی در جامعه بود یا بیشتر تحت تاثیر عوامل خارجی؟ تحولات فرهنگی ممکن است در تاثیر از تحولات اقتصادی و سیاسی فراخوانده شود. در این صورت ضرورت پیدایی فرهنگ و هنر نو بوجود می‌آید و بیشک جنبش ضرورتی در تحول فرهنگی، شکل متناسب خود را نیز می‌یابد. اما گاهی هست که یک عامل جنبی یا خارجی می‌تواند با سنگینی بیشتری عمل کرده؛ یعنی که در فرهنگ و هنر تاثیر گذارد. بطور مثال فرهنگ و هنر یک جامعه دیگر بر هنرمند چنان تاثیر گذارد که لزوم تحولی در فرهنگ و هنر را برای هنرمند طرح کند. اگر چنین است عوامل جنبی یا خارجی باعث تحول در فرهنگ و هنر و در اینجا شعر یک جامعه یا هنرمند شود بی شک اثر خود را عمدتاً بر "شکل" خواهد گذاشت. تغییر و تحولی که نیمه پوشیح بدعت گذاشت، بیشتر از این زاویه دوم می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. نیمه پوشیح با ادبیات فرانسه آشنا بود - یعنی تاثیر مستقیم یک تحول اقتصادی سیاسی در جامعه نیست که باعث بدعت گذاری نیمه در شعر می‌شود (اگرچه نمی‌توان حرکت‌های اجتماعی از جمله انقلاب مشروطه را در نظر گرفت.) و از همین روست که با "افسانه"ی نیمه پوشیح روبرو شویم. اثری که تحولی در شکل را می‌نماید. اما محتوی آن ریشه در گذشته دارد.

نیمه پوشیح با "افسانه" شروع می‌کند. و به سال ۱۳۰۱ در آغاز دیکتاتور

رضا خان :

هان! به پیش‌آی ازین دره تنگ  
که بهین خوابگاه شبانهاست ،  
- که کسی رانه راهی بر آن است ، -

تادراینجا که هر چیز تنها است

بسراشیم دلتنگ باهم"...

نیما یوشیج در تب و تاب مبارزات اجتماعی از خود و تنهایی اش می‌گوید. اما همچنانکه جامعه پیش می‌رود تاثیر خود را برهنرمند می‌گذارد و او را به خود می‌خواند. نیما در ادامه راهش به "ققنوس" می‌رسد و به سال ۱۳۱۶ در اوج دیکتاتوری رضاخانی، آواز ققنوس می‌خواند. هم او بی که "نادره" اش می‌خواند.

باد شدید می‌دمد و سوخته‌ست مرغ

خاکستر تنش را، اندوخته‌ست مرغ

پس جوجه‌هاش از دل خاکسترش بسدر...

و ققنوس مرغی است که بابه آتش کشیدن خود، و به خاکسترنشستنش موجب یک زندگی جدید می‌شود. در اینجا نیما زندگی جدید و برای آن به خون نشستن را باز می‌گوید. اما او به دنبال مرغ آتش است. به آتش نشستن ققنوس در واقع هدف او می‌شود و این به آتش نشستن است که فقط از عهده نادره‌ها برمی‌آید.

همچنان که مبارزات مردم پس از ۱۳۲۰ اوج می‌گیرد، نیما یوشیج در به هم برنشتن با این مبارزات است که به "مرغ آمین" می‌رسد. "مرغ آتش" نیما یوشیج به همت مبارزات مردم به "مرغ آمین" تبدیل می‌شود. "مرغ آمین" در ۱۳۳۰ سروده شده است و آن تماماً انعکاسی است از مبارزات مردم در تفکر نیما.

پژوهشگاه علوم انسانی ■ مطالعات فرهنگی

در یک گلام شعر "مرغ آمین" بیان رشد مبارزات مردم، میان رشد آگاهی شان و میان به عمل آوردن خواسته‌هایشان است. مردمی روبه مبارزه آورده‌اند و نیما از این مبارزه می‌گوید. و از اینجاست که "مرغ آمین" می‌تواند بر دی بسیار وسیع و در زمانهای گوناگون داشته باشد. و نیز می‌توان این شعر را حتی در موقعیت کنونی جامعه خود خواند و بررسی کرد.

شعر "مرغ آمین" بیان یک درگیری، یک کشمکش است. از یکسو مردمانند: تحت ستم و دردمند و تحت شدیدترین حملات دشمنان و از سوی دیگر دشمن است؛ دشمن خلق، آنکه بر مردم ستم می‌کند. و "مرغ آمین" در این میان مدای مردم است. فریاد دادخواهی شان و مبارزه شان در میدان رویارویی خود با دشمنان. "مرغ آمین" حقیقت بوده‌هاست و حقیقت خواهی آنان:

چون نشان از آتشی در دود خاکستر

می‌دهد از روی فهم رمز درد خلق

با زبان رمز درد خود تکان در سر

وز پی آنکه بگیرد ناله‌های ناله‌پردازان ره درگوش.

بردی که با حرکت از زندگی روزمره خود به لزوم درک موقعیت اجتماعی  
شاید رسیده است در "مرغ آمین" در واقع خود را بازمی‌یابند:

مرغ آمین ...

رفته تا آن سوی این بیدادخانه

سازگشته رعیتش دیگر ز رنجوری نه سوی آب و دانه .

سویت روز گشایش را

در پی چاره بمانده .

و این آغاز حرکت مردم است . و از طرح این سؤال که :

چه گذشته است و چه گذشته است ؟

و مردم اند که باید به موقعیت خود آگاه شوند و از آنچه می‌گذرد،

بگویند :

داستان از درد می‌رانند مردم .

و مرغ است که فریاد خواست مردم می‌شود :

" باد رنج ناروای خلق را پایان ."

.....

باد پایان رنج های خلق را با جانان درکین

در این آگاهی به موقعیت خود است که خلق ستم را بر خود درمی‌یابد. ستمی

را که همواره " ناروا" است . مردم در بالقوه شان است که در صدای مرغ آمین پایان

" رنج ناروای خلق" را می‌طلبند و تا :

-رسنگاری روی خواهد کرد

و سست سیره ، بدل با صبح روشن گشت خواهد ."

آر آن گاهی و این امید صحنه را به پیکار خلق بدل خواهد کرد . اما آن سوی

ایر مبارزه . آنکه ستم می‌کند ، آنکه زندگی خود را در سرکوب خلق جستجو می‌کند ، او

کس است ؟ درک موقعیت خود به ناکزیر نادرک موقعیت دشمن باید همراه شود . شناخت

دشمن از اساسی ترین ضرورت ها برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزه است . در "مرغ

آمین" ما او نیز مواجیم :

- "اما آن جهانخواره

( آدمی را دشمن دیرین) جهان را خورد بکسر ."

این ستمگراست . آنکه در ستم بر تنده ها می‌زید . و اینجا آن تقابل صورت

می‌گیرد . آن مبارزه که تاریخ جز گذشت آن نیست . از یکسو ، سوی مردم مبارزه و

نکایز در جهت تاش صبح است و مرگ تیرگی و شب و از سوی دیگر ، سوی ضد خلق مبارزه

و تشارخ بر سرود مرگ نیست :

و سرود مرگ آنان را تکاپوهایشان (بی سود) اینک می کشد در گوش .  
 در این ناگزیری مبارزه، اما مبارزه چگونه میراست؟ مردم با تکیه  
 بر چه ابزاری می توانند مبارزه را به سوی پیروزی پیش ببرند؟ نخستین آن وحدت  
 است :

جور دیده مردمان را .  
 با صدای مردم آمین گفتنش و آن آشنا پرورد ،  
 می دهد بیوندشان درهم

وحدت :

— "بادا" یک صدا از دور می گوید

و صدایی از ره نزدیک ،  
 اندر آسوه صداهای ...

این " وحدت " در آگاهی و مبارزه شکل می گیرد . در آگاهی به جهان خواران  
 و سازماندهی مبارزه . و این آگاهی است که باید عامل تسلیح ذهنی توده ها شود .  
 پس در این وحدت و با این وحدت است که مبارزه پیش برده می شود . اما پیروزی در این  
 مبارزه میسر نمی شود مگر خلق در مبارزه، رویاروی با جهان خواران موانعی را که در سر  
 راه دارد، از پیش پای بردارد . خلق باید تمامی آن مشکلاتی که مبارزه، او را با  
 جهان خواران سد می کند و به آن ضربه میزند، از پیش پای بردارد . پیروزی در مبارزه  
 با جهان خواران جز درهم آهنگی بایک مبارزه، داخلی میسر نیست . و از اینجاست که  
 خلق فریاد میزند :

و هر آن اندیشه، در ما مردگی آموز، ویران !

اندیشه ای واپس گرایانه، اندیشه هایی که انفعال و سستی در مبارزه را  
 تبلیغ می کند، باید ویران شود . خلق جدا از مبارزه و با این اندیشه ها و سیرون  
 ریختن آنها و گرفتن اندیشه های انقلابی و پویا نمی تواند راه مبارزه را برود . خلق  
 باید بخواهد :

و خراب آبد در آوار غریب لعنت سدار محرومان  
 هر خیال کج که خلق خسته را با آن بخواه ایست .

راه مبارزه در نفی تمام مشکلات و موانع درونی که تنها در جهت تخریب در  
 آن مبارزه، اصلی عمل می کنند، هموار می شود . اینبار مردم در وحدت و مبارزه ای که  
 پیش دارند، در عین آگاهی به دشمن خواسته های مشخص خود را مطرح می کنند . هدف  
 مبارزه، شان را تعیین می کنند و این اهدافی است که در "مرغ آمین" بصورتی کلی و  
 عام گفته می شود :

— " با کجی آورده های آن بداندیشان  
 که نه جز خواب جهانگیری از آن میزاد

این به کیفر باد!

– "با کجی آورده‌هاشان نوم  
که از آن با مرگ‌هاشان زندگی آغاز می‌گردید  
و از آن خاموش می‌آمد چراغ خلق.

در این مبارزه بخاطر هدفهای مشخص و روشن و با تکیه بر وحدت و نفسی  
هر اندیشه، خیانت‌آمیز راه پیروزی باز می‌شود. اینجاست که بالقوه، خلق بسته  
بالفعل تبدیل می‌گردد:

مرغ آمین گوی  
دور می‌گردد.

چراکه دیگر آرزوهاشان، فریاد حقیقت خواهی شان در عمل شکفته شده‌است.  
دیگر مرغ و مردم یعنی آوا و عمل یگانه می‌شوند. و اینجاست که:

می‌شکافد جرم دیوار سحرگاهان

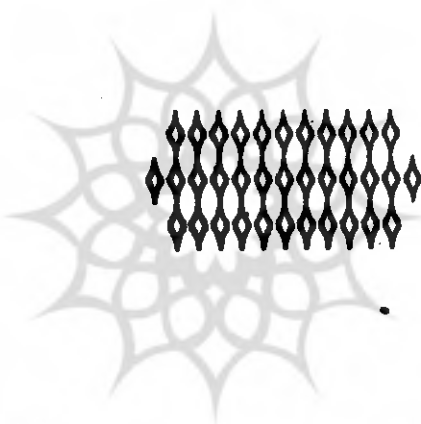
و پیروزی می‌آید:

می‌گریزد شب  
صبح می‌آید.

و چنین است که "مرغ آمین" همچنان پیام و رستگاری خواهی مردم ماست.  
اگرچه "مرغ آمین" نمایی کلی و عام را تصویر می‌کند، اما باید پیام این شعر را در  
هر زمان بسته به شرایط مشخص آن زمان بر روی مسائل مشخص تطبیق داد. ستم چیست؟  
برکی است؟ از جانب کیست؟ اندیشه، زندگی آموز از سوی چه نیروهایی تبلیغ می-  
شود؟ وحدت کجاست و چگونه و با که؟

... روشن است که هر دوره پاسخ خاص خود را دارد. امروزه نیز که ما در  
رویاری با جهان‌خواران (ایرقدرتها) هستیم، این شعر می‌تواند انعکاس وضعیت  
عمومی ما باشد. امروزه، مردم ما در مقابل آزمونی سخت قرار گرفته‌اند. در جریان  
مبارزاتشان و پیرویشان موانعی بزرگ قرار گرفته که باید از میان برداشته شود.  
و تا در وحدت و هشیاری و آگاهی این موانع از بین نرود، راه مبارزه با دشمن اصلی به  
سوی پیروزی باز نخواهد شد. امروزه فریب محض است که می‌گوید باید تمام توجه را  
به جنگ داد اما به این توجه نکرد که چه موانعی در سر راه پیروزی در جنگ است.  
مبارزه، مابیه پیروزی نخواهد رسید مگر اینکه تمام موانع از سر راه پیروزی برداشته  
شود. باید مبارزه با دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنها با مبارزه، داخلی در مقابل  
هر عمل و اندیشه، فریبکارانه و خیانت‌آمیز از سوی هر نیروی داخلی همراه شود. و چون  
مبارزه با این موانع داخلی با مبارزه، میان ما و جهان‌خواران همراه شود، آواز سر

- " به سامان باز آمد خلق بی سامان  
 و بیابان شب هولی  
 که خیال روشنی میبرد با غارت  
 و ره مقصود در آن بود کم، آمد سوی پایان  
 و درون تیرگی ها، تنگنای خانه های مادران ویلان،  
 این زمان با چشمه های روشنائی درگشوده است .  
 و گریزانند گمراهان، کج اندازان ...



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کوان تسو - شاعر چینی  
 ژورنالی جامع علوم انسانی

اگر طرحهای تو برای یکسال است، به افشاندن دانه بپرداز  
 اگر طرحهای تو برای ده سال است، یک درخت بکار  
 اگر طرحهای تو برای صد سال است، ملت را تربیت کن  
 با افشاندن دانه برای یک دفعه، یک دفعه حاصل بر میداری  
 با کاشتن یک درخت، ده بار محصول به دست می آوری  
 با تربیت مردم صد بار محصول جمع خواهی کرد.